

پژش روزنامه‌ها

فرصت آفرینی از دل تهدید

روزنامه

روزنامه جام‌جم در شماره دیروز خود نوشت: در دو هفته اخیر در پی حمله ناگهانی رژیم غاصب صهیونیستی به کشورمان، شرایطی پیش آمد که باعث ناراحتی و اضطراب در جامعه شد اما آنچه این وضعیت را بهبود بخشید، سرمایه انسانی یعنی همبستگی، مشارکت اجتماعی و همدلی مردم بود؛ مردمی که از دل این تهدیدها فرصتی برای باهم بودن، هویت مشترک و احساس مسئولیت در قبال جامعه پیدا کردند تا دست در دست هم این شرایط را پشت‌سر بگذارند، علاوه بر آن، تجربه این دوران فرصتی را فراهم کرد تا هر کس برای بالابردن تاب‌آوری خود گام بردارد و تلاش کند به‌جای تسلیم شدن با صوری و امیدواری از پس این شرایط بربیاید چراکه انسان‌ها در دل سختی و بحران هاست که به پختگی می‌رسند. حالا که با شکست دشمن صهیونی از آن دوران عبور کرده‌ایم، باید پرقدتر تر از قبل به تداوم زندگی عادی و روزمره برگردیم، ما نباید متوقف شویم و روال روزمره خود را تحت تأثیر جنگ رسانه‌ای دشمن تغییر دهیم بلکه باید با هوشیاری و بازیابی روانی به فعالیت بپردازیم چراکه اگر بخواهیم تحت تأثیر قرار بگیریم و کارهای خود را متوقف کنیم قطعاً به پیامد مطلوبی نمی‌رسیم. همچنین فراموش نکنیم که انکا به خداوند، توجه به نعمات، پر کردن محیط زندگی از فضاهای مثبت، محبت کردن به دیگران و معاشرت با دوستان و اقوام از راهکارهای مؤثر و کمک‌کننده برای بازیابی روانی در دوران پس از جنگ به‌شمار می‌روند. بنابراین بهتر است به جای پرداختن به افکار منفی، از خودمان برسیم که بهترین کاری که می‌توان در این شرایط انجام داد، چیست و هر فرد به‌عنوان عضو از جامعه چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ درواقع لازم است در مواجهه با هر بحرانی ابتدا طرح مسئله کنیم و سپس گام‌های عملی و اجرایی در جهت تحقق آن برداریم.

فراتر از له‌شدن

هفت‌شنبه‌ای

معلم انقلاب نوشت: فرمودند، رژیم‌صهیونیستی زیر ضربات جمهوری اسلامی ایران از پا در آمد و له شد، خوب، نخستین چیزی که به ذهن تان می‌رسد، چیست؟ تصاویر ویرانه‌های وسیع سرزمین‌های اشغالی بر اثر حملات موشکی سهمگین ایران. اما قطعاً له‌شدن واز پا در آمدن اصلی، ابعد دیگری دارد که فراتر از این ویرانه‌هاست. و گر نه آنها هم خرابی‌هایی در نقاط مختلف کشورمان به‌وجود آوردند.

یکم؛ ائتلاف جهانی مردم علیه این رژیم صهیونی افزایش یافت. دوم؛ اصابت موشک‌های ایرانی به سرزمین‌های اشغالی یک طرف ماجراست، بی‌حیثیت‌شدن صهیونیست‌ها از نظر نظامی در کفه دیگر، سوم؛ امنیت در اسرائیل ویران نشد. این ویرانی از خود ویرانه‌های ساختمان‌ها عظیم‌تر است. چهارم؛ قرار بود ۴۰ ساعت کار را تمام کنند. قرار بود در دو روز کل اهراف نظامی صهیونیست‌ها زده شود. بعد هم سراغ فاز دوم جنگ بروند، سرانگشتن و جنگ شهری و تجزیه و پرانداری. اما آوار دیگری که بر سر صهیونیست‌ها خراب شد، همین محاسبات غلط‌شان بود. ضربات موشکی ایران آنقدر سنگین بود که در نهایت مجبور شدند از امریکایی‌ها بخواهند وارد معر که شوند. پنجم؛ امروز اسرائیل علاوه بر آواربرداری از محل‌های اصابت موشک‌های ایرانی، باید به‌دنبال نجات از زیر آوار فروپاشی اجتماعی باشد. هر قدر این جنگ ۱۲ روزه باعث اتحاد و وحدت میان ایرانی‌ها شد، بر عکس گسست بیشتری در جامعه صهیونی رقم زد. اسرائیل در این جنگ له شد، اما خودشان بهتر می‌دانند که ویرانی‌های بزرگ بر جای مانده از حملات نیروهای مسلح ایران، کوچک‌تر از آسیب وارده‌شده به صهیونیست‌ها در این جنگ است؛ ویرانی‌های اصلی برای این رژیم غیر قابل ترمیم خواهد بود.

محاسبات دشمن چگونه خنثی‌شد؟

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود نوشت: هر چه از حملات وحشیانه و جنگ ۱۲ روزه رژیم کثیف صهیونیستی به خاک کشورمان می‌گذرد، مواضع طرف‌های غربی در حمایت از این رژیم روشن‌تر می‌شود، هم بر پی اعتبار بودن مذاکراتی که طی سال‌های گذشته با امریکا و تروئیکای اروپایی داشته‌ایم، واقف می‌شویم و هم بیشتر بر حقانیت جمهوری اسلامی در اصرار بر هماهنگی کامل غرب با رژیم کود کش صهیونیستی در آنچه این رژیم در ماشین ترور و کشتاری که راه انداخته، پی می‌بریم.

نویسنده اضافه کرده است: صرف‌نظر از مواضع خصمانه و همراهی کشورهای غربی با جنایات رژیم‌صهیونیستی در حمله به کشورمان که شاهد جنگی همچون جنگ احزاب صدر اسلام بین همه دنیای فقر با دنیای اسلام که امروز در چهره جمهوری اسلامی ایران تبلور پیدا کرده است، باید به این نکته توجه داشت که وقتی گرد و غبارها می‌خوابد، ارزیابی از عملکردها می‌تواند شروع شود. هر کسی که کاری را انجام می‌دهد و هر گروهی که قدمی را برمی‌دارد، برای اینکه کارش مؤثر و نتیجه‌بخش باشد، حتماً باید از ابتدا تا انتها، یعنی از پیش از عملیات، تا جابن و بعد از عملیات سه مرحله را در نظر داشته باشد که در این سه مرحله اساسی عبارت است از: داشتن اطلاعات و محاسبات راهبردی، اقدامات راهبردی و در نهایت، برآوردهای راهبردی. نویسنده اضافه کرده: با قاطعیت می‌توان گفت: دشمن بر اساس اطلاعات چند ساله خود، محاسبات راهبردی چند ماهه و اقدامات راهبردی که در این ۱۲ روز حمله به کشور عزیزمان انجام داد، به آنچه که می‌خواست، مطلقاً نرسید. نه آشوب توانست ایجاد کند، نه جنگ سایبری به نتیجه رسید، نه با زدن فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای توانست خلأ مدیریتی و تصمیم‌گیری کشور را مختل کند و نه برخلاف ادعای کذب رئیس جمهور متوهم امریکا، مراکز هسته‌ای ما از بین رفت.

امیدبخشی رسانه‌ها در جنگ

روزنامه ایران در یادداشتی به نقش رسانه‌ها در امیدبخشی به مردم در جنگ اشاره کرد و نوشت: در روز گاری که رسانه به عنوان بازوی مؤثر آگاهی‌بخشی و شکل‌دهنده افکار عمومی شناخته می‌شود، تحلیل عملکرد رسانه‌ها به ویژه در دوران بحران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

آنچه در این رسانه‌ها مشاهده می‌شد، عمدتاً در دو مسیر اصلی دنبال می‌شد: اول، اطلاع‌رسانی نسبتاً دقیق و مستمر از وقایع میدانی و تحولات مربوط به تجاوزات رژیم‌صهیونیستی و حامیان آن، دوم، تلاش برای حفظ امید و روحیه مردم، به رغ همه سختی‌ها و یادآوری این واقعیت که ملتی مقاوم در برابر ظلم و اشغال ایستاده است. این دو رویکرد، باید جزو وظایف اصلی مطبوعات در شرایط جنگی تلقی شوند. در وضعیت جنگی، نباید انتظار داشت که رسانه‌ها به‌گونه‌ای عمل کنند که گویا در شرایط عادی قرار داریم. نویسنده اضافه کرده است: یکی از محورهایی که کمتر به آن پرداخته شد، بحث مهم و استراتژیک چگونگی رسیدن به یک ایران امیدوار، پویا و با نشاط بود. برای رسیدن به چنین ایرانی، لازم است ابتدا فضای سیاسی کشور بازتر شود. ما نیازمند آن هستیم که بتوانیم منتقد، مخالف، برانداز و حتی مزدور را از یکدیگر تفکیک مفهومی و حقوقی کنیم. این تفکیک به ما امکان می‌دهد تا جامعه‌ای گفت‌وگو محور داشته باشیم و صداهای مختلف را بشنویم. مطبوعات، به عنوان چشم و گوش جامعه، می‌توانند در این مسیر نقش آفرینی کنند، اگر فضا برای آنها فراهم شود.

جوان

روزنامه جوان | شماره ۲۳۴۳ |

سرویس سیاسی ۹۰۶۰۲۳۸۵

تحلیل

فاطمه صبییری



رضا دهشیری | جوان

است. دشمن این دو نقطه را، یعنی وحدت را و امنیت را، آماج حمله خودش قرار داده که باید در مقابلش ایستاد.»

■ **انسجام ملی، سپر تدافعی کشور**

وقتی مردم یک کشور یکپارچه باشد، دشمنان نمی‌توانند به راحتی با ایجاد شکاف و تفرقه، امنیت آن را تهدید کنند، به ویژه که در ایران تکثر اقوام و ادیان، دستوازی نقشه‌های دشمنان شده و آنها از این طریق، تلاش‌های افروزی را برای ایجاد تفرقه و در نهایت، امنیت ملی می‌شود. «

ایشان در جایی دیگر با تعریف وحدت می‌فرمایند: «دشمن دو نقطه اساسی را هدف گرفته: یکی وحدت ملی، یکی امنیت ملی. وحدت ملی مهمی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تمدنی است و به نظر می‌رسد انسجام اجتماعی ملی ایران اسلامی می‌تواند به عنوان مهم‌ترین مؤلفه، کارکردهای آگاهی‌های جدید سیاسی- اجتماعی داشته باشد؛ امری که در بیانات، افکار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌روشنی ملموس است.

■ **امنیت ملی متأثر از وحدت است**

قاعدتا هر نظام اجتماعی، برای بقا و تداوم حیات اجتماعی خویش، نیازمند آن است که شناخت کاملی از ملت خویش داشته باشد و دشمن خود را نیز به خوبی بشناسد تا در مواقع لزوم با بسیج

«فتح قله دانش» توقف‌ناپذیر است

۲۰سال است ما چالش داریم «همین است»، چالش هسته‌ای ما الان بیست سال است که هست. چرا این چالش را دشمنان ایجاد کرده‌اند؟ نه ترور دانشمندان، نه رشوه دادن به بعضی‌ها که علیه جمهوری اسلامی در داخل حرف بزنند، نه انواع رنگر ده‌های سیاسی و امنیتی‌شان، هیچ کلام نتوانست عامل حرکت و پیشرفت و اسقامت ملت ایران را از کار بپندارد. (۱۴۰۱/۸/۲۸)

«ترور کردند، با جنایت‌شان این دانشمندان عزیز را از کار گرفتند. خیال کردند که اگر چنانچه عرصه‌های علمی است که همین عرصه هسته‌ای است.» (۱۴۰۲/۳/۲۱)

دشمن به دنبال حفظ انحصار استعاری خود در این حوزه‌های علمی است و این دلیل مهم دشمنی‌هاست: «دستگاه سلطه دنبال انحصار است: انحصار علمی، انحصار فناوری، انحصار دانشه‌های ثروت‌آفرین، انحصار دانشه‌های قدرت‌آفرین، دنبال این است. لذاست که شما می‌بینید در یک کشوری می‌آیند دانشمندان را ترور می‌کنند- دانشمندان هسته‌ای ما را ترور کردند- آچون می‌خواهد این ثروت در این کشور نباشد.» (۱۳۹۷/۷/۲۵)

■ **صنعتی که دیگر بومی شده است!**

نکته کلیدی اما این است که درست در نقطه مقابل خواست و طراحی دشمنان، تحریم و ترور نتیجه مدنظر آنها را انداد: «مجموعه ناکام ماندند، نتوانستند متوقف کنند جمهوری اسلامی را. هیچ کدام از طر‌چ‌های‌شان پیش نرفت، یعنی به آن

کرده جوان‌ها، دانشجو‌ها، پیغام می‌دهند که می‌خواهند رشته‌شان را تغییر بدهند و بیایند در این رشته کار کنند. ببینید! این خیلی مهم است، این نشان‌دهنده همین است که آلینها! با انگیزه و با آگاهی وارد این میدان شده‌اند، و آلا این جوان می‌توانست مثلا بگوید: خوب حالا که سه نفر ترور شده‌اند- آچون آقای عباسی هم ترور شده بود که خب نجات پیدا کرد الحمدلله- من خوب است راهم را عوض کنم، اولی آن‌کردند.» (۱۳۹۰/۱۰/۲۹)

و کلام پابانی اینکه «رشد‌ناشنده علمی و فتح قله‌های دانش که با همت و عزم جوانان مؤمن و غیور و توانایی چون مصطفای شهید رونی یافته، امروز قائم به هیچ فردی نیست، این یک جنبش تاریخی و برخاسته از یک عزم خلل‌ناپذیر ملی است. ما، به کوری چشم سران اردوگاه استکبار و نظام سلطه، این راه را با قوت و اراده راسخ دنبال خواهیم کرد و پیشرفت رشک‌آور ملت بزرگ خود را به رخ دشمنان عنود و حسود خواهیم کشید.» (۱۳۹۰/۱۰/۲۲)



هم شیعه باید مواظب باشد، هم سنی.»

■ **ابتدایی‌ترین نقشه دشمن برای کشور، از بین بردن وحدت است**

هنگامی که کشور دچار چنددستگی شده و جدال بین گروه‌ها و سطوح تصمیم‌گیری نظامی روى دهد، تمرکز از روی دشمن برداشته شده و قوای داخلی صرف تنازعات داخلی می‌شود، از این رو دشمن به راحتی می‌تواند از این فضا به نفع خود استفاده کند و با استفاده از پدیده نفوذ ساختاری در کشور، اراده خود را به طور نامحسوس به کشور تحمیل کند. با گذر زمان نیز دشمنان با تشدید اختلافات داخلی و شیوع بی‌اعتمادی، زمینه‌فروپاشی سیاسی کشور را فراهم کنند و در نهایت به طور مستقیم، عنان تصمیم‌گیری کشور را به دست گیرند.

در همین رابطه رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«راهبرد چیست؟ ایجاد اختلاف، ایجاد بی‌اعتمادی، بی‌اعتمادی دستجات سیاسی نسبت به همدیگر، گروه‌های مردمی نسبت به همدیگر، بی‌اعتمادی مردم به حکومت، بی‌اعتمادی حکومت به مردم، بی‌اعتمادی این به آن، این سازمان با آن سازمان که به هم بی‌اعتماد باشند، به هم بدبین باشند. وقتی بی‌اعتمادی به وجود آمد، امید به آینده هم از بین خواهد رفت.» با توجه به اهمیت وحدت، هر کسی که ناآگاهانه یا آگاهانه به تفرقه یا دامن زدن به اختلافات بپردازد، در زمین دشمن بازی کرده است، به خصوص که در برهه کنونی و سستی‌با رژیم منحوس صهیونیستی و امریکانیز به وحدت، بیشتر احساس می‌شود و مردم نیاز به همیاری و یقین‌رودحی همدلی دارند. بر همین اساس رهبر معظم انقلاب اشاره مهمی داشتند که: «هر کس در زمینه خدشه به اتحاد ملت حرکتی انجام دهد برای دشمن و در نقشه دشمن کار کرده، در زمین دشمن بازی کرده، این را همه توجه داشته باشند! منبری باشد، مداح باشد، روحانی باشد، دانشگاهی باشد، نویسنده باشد، شاعر باشد، هر کسی باشد.»

اما وحدت تنها در میان مردم وجود ندارد و تمامی از کار نجات خواهند خود را در برابر دشمنان حفظ کنند. در همین رابطه رهبر معظم انقلاب فرمودند: «توسیه مؤکد اینجانب اتحاد کلمه است، مسئولان کشور و دست‌اندر کاران مسائل عمده کشور اتحاد کلمه داشته باشند، ملت عزیزمان، اتحاد کلمه‌شان را حفظ کنند. بحمدالله همین اتحاد کلمه ملت ایران توانسته‌است بسیاری از مشکلات را از پیش پای‌دارد، بعد از این هم بایستی این اتحاد کلمه وجود داشته باشد، مسئولان هم هماهنگ و همصدا با هم حرکت بکنند، نیروهای مسلح هم به وظایف مهمی که دارند و می‌دانند عمل کنند و به معنای واقعی کلمه ان‌شاءالله به تولید قدرت ادامه دهند.»



جنگ

بمباران ذهن‌ها

با گذشت چند روز از توقف موقت درگیری‌های نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم‌صهیونیستی، بسیاری گمان می‌کنند دوره‌ای از آرامش فرارسیده، اما واقعیت این است که این آرامش صرفاً غبار پنهان‌کننده نبردی دیگر است؛ نبردی که در جبهه رسانه و افکار عمومی جریان دارد و اتفاقاً می‌تواند بیش از گلوله و موشک، مسیر تحولات را رقم بزند.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI. IR، در سرمقاله شماره ۸ خود نوشت: این روزها جنگ شناختی و عملیات روانی در امتداد نبرد نظامی در جریان است. رسانه‌های اصلی غربی و بازوهای فارسی‌زبان آنها، از همان ساعاتی که پاسخ نظامی ایران آغاز شد، بلافاصله صفارایی کردند تا دو کار اصلی را پیش ببرند: نخست، فراموشی تلفات انسانی تجاوزات صهیونیست‌ها به خاک ایران و دوم، القای روایت‌های مبتنی بر ترس، تردید، تفرقه و بی‌اعتمادی تحولات را رقم بزند.

نمونه‌های این جنگ روایت‌ها آشکار است. در طول ۱۲ روز درگیری، دست‌کم ۷۲ زن و کودک ایرانی شهید شدند. از این تعداد، چهار زن باردار بودند که با فرزندان خود قربانی شدند. بیمارستان‌ها و آمبولانس‌ها و حتی پایگاه‌های امدادی هلال احمر که طبق قواعد بین‌المللی نباید هدف حمله قرار بگیرند، مورد تجاوز قرار گرفتند، با این حال در کدام یک از رسانه‌های مدعی آزادی و حقوق بشر بازتابی در شأن این فجایع دیدیم؟ همین شبکه‌هایی که در مجاری یک حادثه مشکوک در داخل ایران خود را به آب و آتش می‌زنند، در برابر این جنایت‌های آشکار، سکوت کامل را برگزیده‌اند.

این سکوت، بخشی از همان عملیات روانی است: «تادیده‌انگاری» به عنوان یک تکنیک روایت‌زدایی. وقتی خبر قربانیان و جنایت‌ها بازگو نشود، وجدان عمومی جهانی کمتر بیدار و مظلومیت مردم ما به حاشیه رانده می‌شود. در مقابل، همان رسانه‌ها با شدت تمام تلاش می‌کنند چتر حمایتی رسانه‌ای بر سر مردورانی بگسترانند که در بزنگاه جنگ با دشمن همکاری و به ایران خیانت کرده‌اند. تلاش برای قهرمان‌سازی از خائنان و نفوذی‌ها، یک شگرد کهنه برای تضعیف اعتماد عمومی و مخدوش کردن مشروعیت دفاع است.

وجه سوم این جنگ رسانه‌ای، القای بی‌اعتمادی به مسئولان کشور است. شایعات و خبرسازی‌های برنامه‌ریزی‌شده- مانند ادعای تماس رژیم اسرائیل با خانواده برخی مسئولان امنیتی برای هشدار پیش از حمله- نمونه‌ای از این تکنیک است. این روایت‌ها طوری طراحی می‌شود تا مردم احساس کنند در حساس‌ترین لحظات تنها رها شده‌اند و مقامات اولویت را به حفظ امنیت شخصی داده‌اند. نباید فراموش کنیم این میدان جنگ نرم، امتداد همان خصومت‌های دیرینه است. اگر در جبهه نظامی موشک و پهپاد استفاده می‌شود، در این جبهه «شایعه»، «سانسور»، «تحریف» و «بمباران رسانه‌ای» ابزار اصلی است. هدف هم روشن است: تغییر محاسبات تصمیم‌گیران و سلب اعتماد افکار عمومی.

در چنین شرایطی، وظیفه فعالان و رسانه‌های مستقل و ملی بیش از همیشه سنگین است. ما باید روایت دقیق قربانیان را جمع‌آوری کنیم، اسامی و داستان‌های‌شان را زنده نگه داریم و اجازه ندهیم آسان‌های بی‌گناه به یک عدد در خبرها تقلیل یابند. این همان جایی است که رسانه، نقش محافظ حقیقت را ایفا می‌کند. باید رسانه را جدی‌تر بگیریم. روایت درست، بخشی از جهاد ماست. این میدان جنگی است که هر ایرانی آماده‌تر از آن، سهم خود را ادا کند.

گروه‌های غیر



سازمان پیمان امنیت جمعی حملات اسرائیل و امریکا به ایران را محکوم کرد

وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) در بیانیه مشترکی، حملات اسرائیل و امریکا به ایران را مصداق نقض منشور ملل متحد توصیف و این اقدامات تجاوزکارانه را به شدت محکوم کردند.

به گزارش ایرنا به نقل از خبرگزاری تساس، در این بیانیه که در پایان نشست وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی در قرقیزستان منتشر شد، آمده است: ما نگرانی شدید خود را در مورد تشدید خطر ناک تنش‌ها در خاورمیانه ابراز می‌کنیم.

در این بیانیه با تسلیت به خانواده قربانیان جنگ تحمیلی شهیرایری و علی‌احمدی و بغیره را از دست ما بگیرند، کارها متوقف می‌ماند. کارها متوقف نمائد، دچار وقفه نشد، بحمدالله پیش رفت، یعنی اتحاد کلمه ما، دانشمندان ما، نشان دادند که این صنعت بومی‌شده است، متعلق به خود ملت است و این دیگر قابل سلب کردن از این ملت نیست.» (۱۴۰۲/۳/۲۱)

■ **جنبش کار ریخی برخاسته از عزم خلل‌ناپذیر ملی**

اگرچه در تجاوز اخیر رژیم صهیونی به ایران، چند تن از دانشمندان و چهره‌های علمی برجسته صنعت اتحاد کلمه کشور به شهادت رسیدند، اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد قطعاً با چنین تورهایی که حرکت علمی و پیشرفت هسته‌ای متوقف نخواهد شد. همین توطئه ترور در دهه ۹۰ نیز به وقوع پیوسته و البته شکست خورد به: «این شهیداحمدی‌روشن که شهیدشده‌وشهدای این علم شدند چهره‌فرا، خود این انگیزه درست کرده جوان‌ها، دانشجو‌ها، پیغام می‌دهند که می‌خواهند رشته‌شان را تغییر بدهند و بیایند در این رشته کار کنند. ببینید! این خیلی مهم است، این نشان‌دهنده همین است که آلینها! با انگیزه و با آگاهی وارد این میدان شده‌اند، و آلا این جوان می‌توانست مثلا بگوید: خوب حالا که سه نفر ترور شده‌اند- آچون آقای عباسی هم ترور شده بود که خب نجات پیدا کرد الحمدلله- من خوب است راهم را عوض کنم، اولی آن‌کردند.» (۱۳۹۰/۱۰/۲۹)

و کلام پابانی اینکه «رشد‌ناشنده علمی و فتح قله‌های دانش که با همت و عزم جوانان مؤمن و غیور و توانایی چون مصطفای شهید رونق یافته، امروز قائم به هیچ فردی نیست، این یک جنبش تاریخی و برخاسته از یک عزم خلل‌ناپذیر ملی است. ما، به کوری چشم سران اردوگاه استکبار و نظام سلطه، این راه را با قوت و اراده راسخ دنبال خواهیم کرد و پیشرفت رشک‌آور ملت بزرگ خود را به رخ دشمنان عنود و حسود خواهیم کشید.» (۱۳۹۰/۱۰/۲۲)

مسلک خود را به رخ دشمنان عنود و حسود خواهیم کشید.» (۱۳۹۰/۱۰/۲۲)

مسلک خود را به رخ دشمنان عنود و حسود خواهیم کشید.» (۱۳۹۰/۱۰/۲۲)

مسلک خود را به رخ دشمنان عنود و حسود خواهیم کشید.» (۱۳۹۰/۱۰/۲۲)

مسلک خود را به رخ دشمنان عنود و حسود خواهیم کشید.» (۱۳۹۰/۱۰/۲۲)

مسلک خود را به رخ دشمنان عنود و حسود خواهیم کشید.» (۱۳۹۰/۱۰/۲۲)